

## رفراندم (ها) و جنبش ملی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

در لازمه سرنگونی رژیم استبداد مذهبی جمهوری اسلامی شک و تردیدی وجود ندارد . اکثریت قاطعی از ما ایرانیان و حتی از جوامع بین المللی به این واقعیت اعتقاد راسخ دارند . در اینجا ما سعی داریم با قرار دادن این واقعیت بعنوان اصلی انکارناپذیر به تحلیل و تشریح واقع بینانه عوامل لازم اجرایی آن و همچنین به مقوله « رفراندم » بعنوان ایزاری مبارزاتی در این مرحله مبارزه بپردازیم .

در یک کلام می توان گفت که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیازمند دو عامل اساسی است :

( ۱ ) آماده گی ملی و بین المللی

( ۲ ) وجود یک قدرت سیاسی جایگزین

در مبحث آماده گی ملی و بین المللی نیازی به تشریح بسیار نیست و همگان بخوبی می توانند درک کنند که تنها آنگاه می توانیم سرنگونی جمهوری اسلامی را قطعی ببینیم که جامعه ایرانی و جامعه بین المللی این رژیم را از خود طرد کند . امروز می دانیم که انزجار و تنفر از این رژیم در تار و پود جامعه ایرانی دویده است و بجز اندکی مزدور جیره خوار و یا همپالکی شریک در جرم ، ایرانی ای را نمی توانیم پیدا کنیم که به این رژیم ایمانی داشته باشد . از نظر مذهبی نیز ، مذهبیبون واقعی و صادق نیز به این نتیجه رسیده اند که بقای مذهب اسلام در جامعه ایرانی تنها به نابودی این رژیم مشروط است . در مورد جنبه بین المللی ، منظور ما از آماده گی نه دخالت مستقیم در روند سیاسی ملی ، بلکه در طرد و کمک نرساندن به بقای جمهوری اسلامی است . خوب می دانیم که جامعه بین المللی از وجود این رژیم استفاده های بی کرائی برده و خواهد برد و طرد این رژیم نه از نظر اصولی و نه برپایه روند کنونی خواهد بود . بلکه آنچه می تواند ( همچنان که در گذشته نزدیک نیز شاهد بوده ایم ) جامعه بین المللی را وادار و مشتاق به روی برگرداندن از جمهوری اسلامی بکند ، تنها وجود طرحی سیاسی منسجم و دراز مدت و قدرتی جایگزین ( که مورد قبول اکثریت قاطع مردم ایران باشد ) است . عبارتی دیگر سازماندهی آماده گی مردم در قالبی سیاسی منسجم و واقعیت گراست که می تواند سیاستهای بین المللی را در جهت مبارزه مردم هموار گرداند . وگرنه نه کسی را بجز خود ما ایرانیان از این رژیم ضرر می رسد و نه دخالت مستقیم آنها پیروزی واقعی مردم را به ارمغان خواهد آورد .

با بیان لازمه آماده گی ملی و بین المللی به این نتیجه می رسیم که عامل دوم که وجود قدرت جایگزین است ، عاملی اساسی و پایه ای است و دیگر عاملها مشروط به وجود عینی و حقیقی این عامل اساسی هستند . پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا روند کنونی جامعه سیاسی به سوی تحقق بخشیدن به عوامل لازم برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می باشد یا خیر ؟ در پاسخ مناسبانه ما بجز « نه » پاسخی دیگر را نمی یابیم .

سیاست کلی جامعه سیاسی ایرانی را می توان به راحتی به دو نوع تقسیم نمود :

( ۱ ) سیاست واکنشی مبتنی بر قضا و قدر و بحرانها و عروسک بازی های جمهوری اسلامی

( ۲ ) سیاست منجمد ، بسته و متفرق گروه - عقیده و یا شخصیت گرایانه

در مورد سیاست واکنشی تنها ما به گفتن اینکه هیچ مبارزه ای بدون ابتکار عمل قادر به پیروزی نیست ، اکتفا می کنیم . و بر این باوریم که معتقدان و مجریان به این سیاست خواسته یا ناخواسته بی شهامتی و نادانی سیاسی خود را افشا می کنند و یا اینکه در واقع صورتی دیگر از دشمنان مردم بیش نیستند . باور به اصلاح پذیری نظام جمهوری اسلامی و مشروع دانستن قوانین مدنی این رژیم و توسل به این قوانین برای مبارزه ای دموکراسی خواهانه همگی ترفندهایی برای به بیراهه کشاندن جنبش واقعی مردم است. رژیمی که تنها هدفش ادامه بقای خود و مذهبش می باشد ، هرگز قبل از نابودی حاضر به قدمی عقب نشینی نخواهد بود !!!

خارج از سیاست واکنشی بیان شده مناسبانه تحولی اساسی در جامعه سیاسی ایرانی تا به امروز به وقوع نپیوسته است . ادامه به تک روی ، تفرقه سیاسی ، عقیده گرایی ، شخصیت پرستی و اصرار به الگوهای سیاسی از پیش نوشته شده و منجمد و نامطابق با واقعیتهای اجتماعی امروز هنوز معمول و رایج است . و خصالت دموکراتیک که لازمه جنبش دموکراتیک مطلوب است هنوز در جامعه سیاسی رخنه نکرده است . البته مدتی است که تحت تاثیر فشار افکار مردمی جامعه و گروههایی همچون جنبش آشتی ملی ، همبستگی ملی شعاری برای زایشی دوباره شده است و به عنوان ابتکار سیاسی صحبت از «رفراندم» در جامعه سیاسی می رود .

پدیدهی است که رفراندم و همه پرسشی اصلی از اصول ابتدایی دموکراسی می باشد ولی پرسشی که در اینجا مطرح می شود اینست که منظور از رفراندم چیست ؟ و استفاده ابزاری از رفراندم برای مبارزه ملی تا چه اندازه مفید و کارساز است ؟

برای ورود به مبحث رفراندم ابتدا باید ببینیم چه رفراندمهایی پیشنهاد شده اند :

۱) رفراندم در جمهوری اسلامی برای اصلاح نظام ، پیشنهاد شده از طرف نیروهای درون حاکمیت .

۲) رفراندم در جمهوری اسلامی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ، پیشنهاد شده از طرف برخی محافل اپوزیسیون برانداز .

۳) رفراندم پس از جمهوری اسلامی برای تعیین نظام جایگزین ، مورد قبول بخش عظیمی از اپوزیسیون برانداز .

رفراندم در جمهوری اسلامی برای اصلاح نظام خواسته جناحهای اصلاح طلب داخل حاکمیت است که با ارائه آن می خواهند وانمود کنند که هنوز قادر به کنار گذاشتن مهره های فاسد نظام و اصلاح و تحول بسوی مردم سالاری هستند . اینچنین ابتکار سیاسی ای چیزی بجز فریب دادن مردم و به بیراهه کشاندن جنبش ملی نیست . نه تنها همه بخوبی درک نموده اند که قشر سردمدار آخوند نه حاضر و نه قادر به عقب نشینی است بلکه مردم ایران مشکل ملی خود را در تعویض مهره نمی دانند . ساختار نظام است که باید دگرگون گردد و تا هنگامی که جناحهای اصلاح طلب وفادار به ساختار مذهبی این نظام باشند ، چیزی به جز ادامه زجر و درد و نابودی را برای جامعه ایرانی ارمان نخواهند آورد . ما اینگونه رفراندم را خارج از موضوع و مضر به جنبش آزادیخواهی و دموکراسی طلبی مردم ایران می دانیم .

رفراندم در جمهوری اسلامی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن است در ظاهر مناسب بنظر آید و بعنوان راه خروجی مسالمت آمیز و بدون لطمه معرفی گردد . هواداران اصلی این گونه

فراندم شانس پیروزی آن را در حمایت و فشار بین المللی می بینند و خوب می دانند که سردمداران جمهوری اسلامی بخودی خود هیچ گاه حاضر به این خودکشی نخواهند شد . البته برخی با اشاره به الگوهای تاریخی فکر می کنند که این رژیم مانند دیگران است و در مقابل فشار مردم حاضر به باز پس دادن حاکمیت به مردم است . مقوله جمهوری اسلامی به باور ما کم مانند است و الگوهای ارائه شده به هیچ عنوان مطابقت ندارند . در طول تاریخ رژیم های دیکتاتور مذهبی هیچ گاه به پای خود از میدان خارج نشده اند و هرگز نخواهند شد . مروجان این به اصطلاح ابتکار سیاسی یا شناخت کافی از ماهیت رژیم و داده های سیاسی جامعه بین المللی ندارند و یا برای پر کردن انبان سیاسی تهیشان ناچارند که اینگونه شعارهایی را ارائه بدهند و خود را در محفل سیاسی جامعه زنده نگه دارند . ما بر این باوریم که سرنگونی جمهوری اسلامی نتیجه تلاش و جنبشی سیاسی و اجتماعی منسجم و برنامه ریزی شده به توسط خود ما ایرانیان خواهد بود و اینچنین فراندمی را نه رژیم و نه بیگانه گان برپا خواهند نمود .

فراندم پس از جمهوری اسلامی برای تعیین نظام جایگزین به طبع لازم و منطقی به نظر می رسد . اما قبل از پرداختن به بحث در این مورد باید دید که چه نیروهایی در مرحله مبارزه شرکت نموده اند و اعتقاد به اینچنین فراندمی ناچاراً به این معناست که سرنگونی جمهوری اسلامی یا همبستگی و همکاری بین چندین جناح سیاسی انجام گرفته است . شاید برخی بر این باور باشند که مردم ایران بدون حمایت سیاسی مشخص و بدون برنامه و انگیزه سیاسی ( از قبل ارائه داده شده ) قادرند و حاضرند که رژیم را سرنگون کنند و سپس از میان جناحهایی که در مرحله مبارزه تنها به شعار دادن و نامه پراکنی مشغول بوده اند و آینده و گذشته مردم را در ابهام قرار داده اند ، یکی را به عنوان « آقا بالا سر » خود انتخاب کنند !!! نه . مردم ایران اینچنین نخواهند نمود . اندکی واقع بینی و اندکی درک اجتماعی کافی است که خواستها و باورهای جامعه را بسنجیم و بر اساس واقعینها سیاستگذاری بکنیم . اگر اعتقادی واقعی به فراندم و همه پرسشی هست پس چرا در مورد چگونگی روند مبارزه امروزمان فراندم و همه پرسشی برگزار نکنیم ؟ و از محیط آزاد و پر تسهیلات خارج از ایران برای مطابقت دادن خود با رای مردم استفاده نکنیم ؟

ما مطمئنیم که فراندم های بیشماری پس از جمهوری اسلامی انجام خواهند پذیرفت . چرا که برای فردایمان تنها نظامی دموکراتیک را می خواهیم و در چنین نظامی تنها رجوع به آرای مستقیم و غیر مستقیم مردم است که مشروعیت ملی و مدنی را دارد . اما آیا برای تعیین نوع نظام فراندمی خواهد بود ؟ و یا چه نوع نظامهایی را به رای مردم خواهیم گذاشت ؟ ما بر این باوریم که پاسخ به این پرسشها تنها وقتی ممکن خواهد بود که بتوانیم انسجامی سیاسی بوجود بیاوریم و شورایی ملی برای مدیریت جنبش ملی تا سرنگونی جمهوری اسلامی و اداره حکومت موقت داشته باشیم .

در راستای آنچه ما تا به امروز به عنوان طرح و پیشنهاد به جامعه سیاسی ارائه داده ایم ، همبستگی نیروهای مردمی ( که دارای خصلتی دموکراتیک می باشند ) بر حول پیمان و منشوری مشترک موجب تشکیل این شورای مورد نظر خواهد شد . شورایی که تنها یک سیاست مبارزاتی مشخص را ارائه می دهد ولی می تواند ، یا توسل و یا توجه به تنوع جناحهای موجود در خود ، برنامه هایی مختلفی را برای نظام جایگزین داشته باشد . تنها به این ترتیب است که پس از بدست گرفتن حکومت موقت و برپایی فضایی آزاد در ایران می توانیم فراندمی برای انتخاب نوع نظام توسط مردم « آزاد و آگاه » داشته باشیم .

برای سرنگونی نظام فاسد و جنایت کار جمهوری اسلامی نه تنها خواست و اراده مردم مهم است بلکه انسجام و سازماندهی مناسب این خواست و اراده نیز حیاتی و اساسی است. این مهم ملی به عهده همه ماست و ممکن و شدنی است. تنها باید نگذاریم که با به بیراهه رفتن این وظیفه ملی را فراموش کنیم و بدانیم که دموکراسی و خصلت‌های دموکراتیک ارثی نیستند و می‌توانیم با روشن بینی و نیک اندیشی خود را به نیرویی مردمی تبدیل کنیم و در مبارزه ملی شرکت فعال داشته باشیم.

جنابش آشتی ملی

۱۰ دی ماه ۱۳۸۱